

سه‌م رسانه از جریان بلوا

بازخوانی رسانه‌های خارجی و داخلی در آشوب ۱۴۰۱

گزارش

این روزها یک سال از وقایع ناگواری که به دنبال درگذشت «مهسا امینی» در کشور رخ داد، می‌گذرد. رسانه‌ها در این مدت با مسائل و چالش‌هایی سخت دست و پنجه نرم کردند؛ خبررسانی در مورد وقایع رخ داده، روایت‌سازی در چهارچوب سیاست‌های منحصربه‌فرد رسانه‌ای، مطالبه‌گری، بازتاب شفاف نظرات معترضان و حاکمیت، انتشار نظریات کارشناسان، همه و همه در عین تلاش برای رعایت خطوط قرمز و ملاحظات مربوط به امنیت ملی و روانی جامعه، چالش‌هایی سخت پیش روی اصحاب رسانه قرار داد. اکنون به اندازه کافی زمان گذشته تا بتوانیم عملکرد کلی رسانه‌ها را در این مدت مورد بررسی قرار دهیم. محک ناآرامی‌ها توان رسانه‌های داخلی را بیش از رسانه‌های خارج نشین آزمون داد، چرا که حرکت در مسیر باریک میان مطالبه‌گران و مسئولان و میان‌داری برای ایجاد تقاضم و درک بیشتر میان اهداف و امکانات حاکمیت با خواست و مطالبات مردم و انجام مسئولیت رسانه‌ای در کنار تلاش برای بقا، کاری بس دشوار بود.

بحث و نظر در مورد مرجعیت رسانه‌ای و ارائه روایت اول از رخدادهای داخلی، موضوعی مهم از نگاه رسانه‌ها بود که بحث و نظریات در مختلفی در مورد مرز مجاز خبررسانی و شفاف را دربرداشت

رسانه‌های فارسی زبان خارجی

ماجرای فوت دختر جوان و وقایع پس از آن با توجه به سیاست‌های رسانه‌های خارجی فارسی‌زبان مبنی بر ضدیت با نظام و ایجاد نارضایتی عمومی، تا مدت‌ها خوراک خبری دلچسبی را برای آنها فراهم کرد. رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی در این مدت ضمن اینکه تلاش کردند خود را تریبون معترضان نشان دهند، کوشیدند بر آتش ناآرامی‌ها بدمند و در نهایت اعتراض را به اغتشاش و آشوب تبدیل کنند. نقش شبکه‌های فارسی‌زبان خارجی در مقاطعی مانند آشوب‌های خیابانی، دامن زدن به شایعات، دعوت به تجمعات، پوشش اخبار اپوزیسیون به خصوص اعضای تشکل موسوم به منشور مهسا... قابل توجه بود، ضمن اینکه شاهد بودیم برخی رسانه‌ها وارد فازهایی جدید در تقابل با جمهوری اسلامی شدند. مثال بارز در این روند، تغییر رویکرد رسانه‌ای چون بی‌بی‌سی فارسی بود که به طور کلی مشی یکی به نعل یکی به میخ و تظاهر به بی‌طرفی را کنار گذاشت و برای جانمندان از کورس رقابت با ایران اینترنشنال وارد مسابقه تشویق به آشوبگری شد.

آشوب با اعتراض؟

شناسایی ماهیت ناآرامی‌ها از مهمترین وجوه اختلاف در رویکرد رسانه‌ها در ارتباط با وقایع سال گذشته بود. در حالی که اغلب رسانه‌های اصلاح‌طلب ناآرامی‌ها را برآمده از «نارضایتی طبیعی مردم» از شرایط سیاسی و اقتصادی کشور دانسته و از «مردم معترض» نام بردند، در مقابل، روزنامه‌های منتسب به جریان حامی دولت و اکثریت رسانه‌های اصولگرا بیشتر با کلیدواژه‌هایی چون آشوب، اغتشاش، نفوذ... مسیر یکدستی را در محکومیت لشکرکشی‌های خیابانی معترضان و اقدامات هنجارشکنانه و غیرقانونی برهم‌زنندگان نظم و امنیت در پیش گرفتند.

رسانه‌های اصولگرا اساساً و اغلب از ناآرامی‌های سال گذشته با عنوان «اغتشاش» نام برده و آن را حاصل سناریو و طرح‌هایی از پیش تعیین شده با منبئی خارجی و مغرضانه معرفی کردند. به این ترتیب اگرچه اصلاح‌طلبان ریشه‌های درونی اعتراضات را مورد توجه قرار دادند و به بررسی و موشکافی دلایل نارضایتی‌ها و مطالبات مردم پرداختند، رسانه‌های جبهه مقابلشان اغلب روی ریشه‌های بیرونی ناآرامی‌ها متمرکز شده و معترضان را «فربخ‌خورده» معرفی کردند. بر همین مبنا، در حالی که در هفته‌های نخست فوت مهسا امینی رسانه‌های اصلاح‌طلب مانند اعتماد (۲۰ مهرماه)

چون مذاکره با تهران و توافقات مربوط به مبادله زندانیان و آزادسازی اموال ایران به باد انتقاد بگیرند. رسانه‌های داخلی داستان متفاوت با فارسی‌زبان‌های بیگانه بود. لزوم کنشگری در چهارچوب قانون فعالیت رسانه‌ای در کشور و صلابت مسئولیتشان در مطالبه‌گری و پیوند میان معترضان و حاکمیت، طیفی از عملکردهای متفاوت را رقم زد؛ طیفی گسترده که در اصل حمایت از ثبات و همسازی در کشور غالباً هم‌نظر بودند، اگرچه رسانه‌های رقیب گاه و بیگاه یکدیگر را به انواع و اقسام اتهامات مواجه کردند.

نظرخواهی از کارشناسان؛ محور مهم رسانه‌های داخلی

گفت‌وگو با کارشناسان برای شناسایی ریشه اعتراضات و یافتن راه حل برون‌رفت از بحران از مهمترین محورهای برجسته رسانه‌های داخلی بود. در میان رسانه‌های داخلی صدا و سیما کوشید در برنامه‌هایی مانند «شبهه» میزبان نظرات مختلف باشد؛ تا جایی که حتی چهره‌های منتقد به این رسانه دعوت شدند تا زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، روانی، اقتصادی... اعتراضات را موشکافی کنند.

به گزارش ایرنا، بخش پژوهش ایرنا هم پرونده‌هایی را با موضوع واکاوی «التهايات پاییزی» از زوایای سیاسی، جامعه‌شناختی، امنیتی، تحولات نسلی و... گشود با عنوان «تبيين جامعه‌شناسانه ناآرامی‌های شهریور ۱۴۰۱»، «زان از زبان زنان»، «عصر جدید، نسل جدید»، «دهه‌هشتادی‌ها؛ خصایص و خواسته‌ها»، «سلبریتی ایرانی، جامعه و سیاست»، «ابعاد آشوب ۱۴۰۱ از دید امنیت‌پژوهان» و «همزیستی و همدلی در جامعه ایران؛ موانع و راهکارها» که در نوع خود بی‌سابقه بود. مصاحبه با ده‌ها صاحب‌نظر در حوزه‌های گوناگون از جامعه‌شناسی تا سیاست و امنیت، مجموعه‌ای بی‌نظیر از نگاه مسأله‌شناسانه و راهکارجویانه را درست در زمانی ارائه داد که کمتر چهره‌ای حاضر به اظهارنظر درباره



این موضوعات می‌شد. مطبوعات هم به نوبه خود در گفت‌وگو با کارشناسان امر، به حل‌های وقایع پرداختند. مطبوعات با رویکرد اصلاح‌طلبانه در این زمینه پیشرو بودند و اندکانک رسانه‌های اصولگرا به این فرایند ورود پیدا کردند.

دهه‌هشتادی‌ها و نگاه متفاوت رسانه‌ها

واکاوی نسل جدید یا همان دهه‌هشتادی‌ها که بازیگران اصلی تحولات شناخته می‌شدند، از دیگر موضوعات برجسته در رسانه‌های داخلی بود؛ اگرچه رویکرد جهانی و یکسویه برخی رسانه‌ها در ارتباط با این نسل مشهود بود.

در بحبوحه اعتراضات، گزارش رسانه‌هایی چون فارس با موضوع شناخت دهه‌هشتادی‌ها یا زومرها سروصدا زیادی به پا کرد؛ «به وضوح مشخص است

هیچ تقید دینی و سیاسی ندارند. می‌توان تصور کرد که هدف مهمی در زندگی به جزی خوشگذرانی ندارند که آن هم لایند با توجه به سبک زندگی آنها در کشور ما خیلی بساطش جور نیست! بیشتر من را یاد آن در اینستاگرام کلیپ‌های مضمون‌کننده‌اش با دو دختر کم‌سن و سال‌تر از خودش خاطر بسیاری از مردم در جریحه‌دار کرده بود.» سایر رسانه‌ها هم بسته به دیدگاه و سیاست‌هایشان به حل‌های نسل جدید در رسانه‌های داخلی بود؛ اگرچه رویکرد مطالبات‌شان پرداختند و گزارش‌های زیادی در این باره منتشر ساختند. طیفی از همان ابتدا با پذیرش بیشتر نسبت به دهه‌هشتادی‌ها، به بررسی این نسل پرداختند. روزنامه جوان (۲۳ آذر) به نقل از یک کارشناس نوشت: دهه‌هشتادی‌ها را

فرصت ببینیم تا تب فروکش کند. اعتماد (۳ آبان) هم نسل جدید را بسیار روادارتر، دگرپذیرتر، واقع‌گراتر و متنوع‌تر از تصویری دانست که از آنان ساخته شده است. عصر ایران در گزارش پنجم مهر خود نوشت: دهه‌هشتادی‌ها اما، اطاعت نمی‌کنند؛ آنها واقع‌بین‌تر از پدر و مادرهایشان هستند و لب‌کلام‌شان در برابر آن بزرگترها این است: به جای دستور دادن، ما را «قانع» کنید. از این رو، با این نسل، نمی‌توان با تحکم، آمرانه و از موضع بالا سخن گفت چرا که مزیت نسبی بزرگترهای پیشین که داشتن اطلاعات بیشتر بود، به مدد گسترش کتاب و رسانه در بین نسل جدید از بین رفته است.

مسأله خبررسانی و خبرنگاران بازداشتی

اطلاع‌رسانی و خبررسانی در مورد فوت مهسا امینی و وقایع پس از آن هم مسأله مهمی برای انتشار گزارش‌هایی با رویکردهای متفاوت بود. بحث و نظر در مورد مرجعیت رسانه‌ای و ارائه روایت اول از رخدادهای داخلی، موضوعی مهم مختلفی در مورد حد و مرز مجاز خبررسانی و شفاف را دربرداشت. نقد عملکرد رسانه‌ها بویژه صدا و سیما در حوادث اخیر و از دست رفتن فرصت روایت اول و شفاف، از محورهایی بود که رسانه‌های اصلاح‌طلب روی آن تمرکز داشتند.

دستگیری خبرنگاران روزنامه‌های شرق و هم‌میهن باعث شد تا این رسانه‌های اصلاح‌طلب وارد فاز جدیدی در زمینه ناآرامی‌ها شوند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم آزادی این خبرنگاران را مطالبه کنند. «خبررسانی جرم نیست»، «روزنامه‌نگاری جرم نیست» از نمونه تیرهای روزنامه‌های کارگزارانی چون هم‌میهن و سازندگی بود که در برابر تیرتری چون «روزنامه‌نگاری جرم نیست، وطن فروشی و جاسوسی جرم است» از روزنامه کیهان، گویای بروز دوقطبی بود که در این زمینه شکل گرفت. در برابر متهم‌سازی خبرنگاران بازداشتی در روزنامه‌های اصلاح‌طلب از سوی روزنامه‌های اصولگرا، روزنامه آرمان ملی روز ۱۱ آبان به بررسی سابقه روزنامه‌نگاران اصولگرای پرداخت که در سال‌های اخیر به رسانه‌های معاند پیوستند.

محورهای برجسته رسانه‌های داخلی

توجه به قربانیان رخدادهایی پاییز گذشته محوری بود که برخی رسانه‌ها به آن پرداختند. رویکرد روزنامه‌ای چون اعتماد در جریان اعتراضات قابل توجه بود؛ رسانه‌ای که پیشگام مصاحبه با خانواده قربانیان و آسیب‌دیدگان و بازداشتی‌های حوادث پارسال شد. به عنوان نمونه این روزنامه در ۲۱ آذر ماه با پدر یکی از بازداشتی‌ها مصاحبه کرد. برگزاری عملی دادگاه افرادی که در جریان ناآرامی‌ها به ارتکاب جرایم امنیتی متهم شدند، از دیگر محورهای روزنامه‌های اصلاح‌طلب بود. «محاکمه علنی» کلیدواژه پرتکراری بود که گاهی در مقام تیتر برخی روزنامه‌ها چون هم‌میهن نشست. لزوم تدبیراندیشی برای برگزاری تجمعات قانونی و اجرایی شدن اصل ۲۷ قانون اساسی هم مسأله‌ای بود که در رسانه‌ها به چشم خورد.

همچنین انتقاد از قطعی اینترنت و محدودیت دسترسی به اپلیکیشن‌ها و شبکه‌های اجتماعی و چالش‌های آن بویژه در حوزه اقتصادی و تهدید کسب‌وکارهای مجازی و انتقاد از کوچ اجباری مردم به پیام‌رسان‌های داخلی در رسانه‌های اصلاح‌طلب مورد توجه قرار گرفت. در همین چهارچوب، پیام‌های روانی اعتراضات در جامعه (همدلی ۲۶ مهر، اعتماد ۲۶ مهر)، لزوم تقویت فرهنگ عذرخواهی و لزوم عذرخواهی مسئولان از مردم در زمان ارتکاب اشتباه (اعتقاد ۳۰ مهر)، لزوم گفت‌وگو مسئولان با جامعه (همدلی ۲۶ مهر)، لزوم تغییر در برخی قوانین و نیز مواجهه با برخی امور عرفی و اجتماعی مانند حجاب و عفاف (ابتکار ۳۱ شهریور)، راهکارهای بازگشت جامعه به آرامش، لزوم تقویت احزاب برای مطالبه‌گری و... از محورهایی بود که رسانه‌های اصلاح‌طلب به طور جدی‌تر به آن پرداختند.

در برابر پوشش گسترده اعتراضات در کشورهای اروپایی (کیهان ۲۶ مهر، جام جم ۳۰ مهر)، انتقاد از «دروغ‌پردازی» و «گفته‌سازی» (همشهری ۲۶ مهر)، تأکید بر سناریوی خارجی برای متوقف کردن ایران (کیهان ۲۰ مهر) و اتهام‌زنی به اصلاح‌طلبان (کیهان ۱۸ آبان) هم در رسانه‌های اصولگرا برجسته بود. در مجموع، اگرچه در میان رسانه‌های داخلی در نوع نگاه به ماهیت و ریشه‌های وقایع یک سال اخیر و چاره‌جویی برای بازگرداندن آرامش به کشور تفاوت‌هایی دیده می‌شود، ولی تعهد و تلاش بسیاری از آنها برای عبور از بحران و بازگرداندن آرامش به کشور و به طور کلی حل مسأله، فاصله معنادار میان آنها و رسانه‌های خارجی فارسی‌زبان را حفظ می‌کند. شاید همین‌جا است که اهمیت روایت اول و شفاف از رخدادها در رسانه‌های داخلی برجسته‌تر می‌شود؛ مسأله‌ای که اهتمام و توجه مسئولان به آن و فراهم‌سازی زمینه‌های فعالیت شفاف و دقیق رسانه‌ها می‌تواند اعتماد مخاطبان فارسی‌زبان و مرجعیت رسانه‌های داخلی را احیا کند.



برش

با رسانه‌های متنوع مؤسسه ایران دیده خواهید شد

خط ویژه پذیرش آگهی ۱۸۷۷

ایران

مناقصه مزایده فراخوان

ایران

